



پیشرفت؛ امانه برای ما

درآمد نفتی ایران افزایش یافت. دانش زمین شناسی نفت هم در این سال‌ها پیشرفتی قابل ملاحظه کرد. بزرگ‌ترین جرثقیل شناور در خلیج فارس خریده شد. در آبادان پالایشگاه توسعه می‌یافت. همین پیوسته میدان‌های نفتی جدیدی در خوزستان یافت می‌شد. پول نفت ایران عملاً خرج راه آهن و خرید سلاح و مهمات می‌شد. در شهریور ۲۰ به چشم برهم زدن تهران سقوط کرد و قوای متفقین خاک تهران را لگدمال کردند. یک گردان مزدور هندی به نمایندگی از دولت انگلیس در آبادان و خرمشهر مستقر شد تا تأسیسات نفتی انگلیسی‌ها حراست کند. مردم و کارگران آبادانی با این قوادگیر شدند. در جریان این درگیری سه ایرانی به شهادت رسیدند. مردم جنوب از تسلیم حکومت مرکزی در برابر انگلیس شکست زده بودند. رضاشاه در ۲۵ شهریور ۲۰ کنار رفت. نکته بامزه این است که اندکی پس از تغییر شاه ایران، کمونیست‌ها و انگلیسی‌ها از ترس نفوذ آلمان‌ها در ایران با هم همکاری می‌کردند.

تولید روزانه نفت ایران از ۵۰۰۰ بشکه در سال‌های ابتدایی دهه ۱۲۹۰ به حدود ۲۰ هزار بشکه در سال‌های انتهایی دهه ۱۳۱۰ رسید. درآمد ایران از نفت در سال ۱۳۲۰ حدود چهار

میلیون پوند بود. در سال‌های ابتدایی دهه ۲۰ همچنان نفت ایران پررونق‌تر از گذشته استخراج می‌شد. در این سال‌ها میعانات گازی از میدان پازنان (در بهبهان) به آبادان فرستاده می‌شد تا سوخت مناسب برای هواپیما غنی‌سازی و آماده شود. در سال ۱۳۲۳ محمد مصدق در مجلس نطقی ایراد و طرحی را مطرح کرد که به واسطه آن مقامات کشور حق عقد قرارداد نفتی با خارجی‌ها را نداشتند. این طرح در مجلس به تصویب رسید. در سال ۱۳۲۴ استالین دستور اکتشاف حوزه‌های نفتی شمال ایران را صادر کرد. جزئیات دستور استالین به گونه‌ای است که انگار دارد درباره یکی ایالت‌های شوروی سابق اظهار نظر می‌کند. اساساً چیزی به نام منافع ملی و

تمامیت ارضی در بین نبود؛ این استالین بود که باید اجازه می‌داد نفت نواحی شمال ایران به دست روس‌ها کاش و استخراج شود. وقتی هم ایرانی‌ها به خصوص احمد قوام درباره نفت با شوروی مکاتبه می‌کرد، این طور جواب دریافت کرد: چه انتظارهایی دارید؟ وقتی نفت جنوب را دادید به انگلیسی‌ها،

نفت شمال هم سهم ماست؛ نیست؟ حق ما که قابل بحث نیست...

این جلوه‌ای از وضعیت کشور در سال‌های ابتدایی دهه ۲۰ است؛ کدام آدم عاقلی با مطالعه این تکه از تاریخ می‌تواند احساس سرافکندگی نکند؟ سال ۱۳۲۵ اعتراضات کارگران ایرانی ادامه داشت. آنها از وضعیت حقوق و رفاه خود راضی نبودند. در بیان تاریخ آن سال‌ها موردی هست که هنوز گرنده است و آدم را ناراحت می‌کند:

«از حدود هفت میلیون لیره حق امتیازی که به دولت ایران پرداخت شد، نیم میلیون لیره به مالیات بر درآمد اختصاص یافت. این عدد از یک درصد درآمد شرکت انگلیس - ایران هم کمتر بود. این در حالی است که بیش از ۴۵ درصد سود شرکت برای مالیات به دولت انگلیس پرداخته شده بود. این اختلاف زیاد بین میزان مالیات دولت‌ها گویای نامتناسب بودن کل درآمد شرکت و حق امتیاز ایران بود. در آن سال‌ها کارگران ایرانی دست به اعتراض گسترده می‌زدند. آنها نسبت به پایین بودن دستمزد خود شدیداً کله داشتند. آنها حتی برای روز جمعه که روز استراحت‌شان بود دستمزد دریافت نمی‌کردند. چند ده نفر در جریان این اعتراضات کشته شدند.

شوروی در ازای گرفتن امتیاز نفت شمال، نیروهای خود را از ایران خارج کرد. البته قرارداد آنها نسبت به قرارداد انگلیسی‌ها بهتر بود و شرایط در آن به شکل عادلانه‌تری رعایت شده بود. هر چند به زبان بی‌زبانی آنها باج گرفتند تا نیروهایشان را از ایران خارج کنند. نکته بامزه خروج روس‌ها از ایران تهدید آمریکایی‌ها بود. آمریکایی‌ها تهدید کرده بودند اگر شوروی نیروی خود را از ایران خارج نکند، آنها هم بخشی از این خاک را اشغال خواهند کرد. همزمان شرکت نفت انگلیس - ایران هم بدش نمی‌آمد شیوخ جنوب را مسلح کند تا طرح جدایی خوزستان از ایران را کلید بزنند. زیرآب قرارداد نفت با شوروی هم در مجلس

پانزدهم زده شد. از سال ۱۳۲۷ نرم‌زم در مجلس شورای ملی طرح لغو امتیاز ۱۹۳۳ مطرح شد. آن امتیاز هم عملاً همان ادامه قرارداد داری بود و به نفع ایران ارزیابی نمی‌شد. هیچ آدم عاقل نه حتی وطن پرستی نمی‌توانست موافق آن بندها باشد. عباس

اسکندری، نماینده مجلس گفت این امتیاز باید لغو شود. دانشجویان در سال ۲۷ تظاهرات کردند و خواهان لغو قرارداد با انگلیسی‌ها شدند. بعد از این جودر مجلس شورای ملی داشت علیه قرارداد ۱۹۳۳ می‌شد، هیاتی به نمایندگی عباسقلی گلشاییان (وزیر دارایی) به سمت نویل گس که مدیرعامل شرکت BP (بریتیش پترولیوم) بود فرستاده شد. مذاکرات بین این دو آغاز شد. ظرفیت پالایشگاه آبادان به ۲۴ میلیون تن رسیده بود. فاصله نابرابر بین ما و انگلیسی‌ها داشت بیشتر و بیشتر می‌شد. بالاخره در ۲۴ اردیبهشت ۲۸ دولت درباره مذاکرات نفتی بیانیه داد. در این بیانیه عنوان شد که توافق بسیار نزدیک و همه چیز عالی است.

در ۲۶ تیر قرارداد گس - گلشاییان امضا شد. عملاً اتفاق خاصی نیفتاد. انگلیسی‌ها چند امتیاز ریز داده بودند تا قرارداد ۱۹۳۳ پابرجا باشد. مجلس به این قرارداد رأی نداد. همین امر باعث شد تا قرارداد جنبه قانونی پیدا نکند. بحث درباره این قرارداد در مجلس بحثی طولانی و پردامنه بود. کمیسیونی در مجلس به نام نفت تشکیل شد. این کمیسیون ماه‌ها در سال ۱۳۲۹ به بحث و تبادل نظر پرداخت. اعضای کمیسیون پرسش‌های بسیاری مطرح می‌کردند که عملاً پاسخی برایش وجود نداشت. برخی از این پرسش‌ها که از زبان محمد مکی پرسیده می‌شد به شرح زیر است:

«آیا شرکت انگلیسی حق دارد هر مقدار مواد نفتی و به هر قیمت و به هر کس بفروشد؟ دولت انگلیس مقدار قابل توجهی از نفت ما را مفت به دربارداری انگلیس می‌دهد؛ برای جلوگیری از این کارپیش‌بینی کرده‌اید؟ تفاوت نرخ آزاد با نرخ فروش به دولت انگلیس چقدر است؟ چرا حق امتیاز را به طلای قابل فروش در بازارهای آزاد دنیا نمی‌گیرید؟ حال که ارکان قرارداد ۱۹۳۳ متزلزل شده است، چرا اصرار دارید قرارداد الحاقی ناقص را به مجلس و ملت تحمیل کنید؟»

بالاخره در پاییز ۱۳۲۹ کمیسیون نفت به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی گس - گلشاییان منافع ملت ایران را استیفا نمی‌کند و در ۲۹ آذر کمیسیون قرارداد الحاقی نفت را رد کرد.

در ۳۰ آذر آیت‌ا... کاشانی اعلامیه داد و از مردم خواست برای ابطال قرارداد ۱۹۳۳ و ملی کردن صنعت نفت ایران به مسجد شاه بیایند. در دانشگاه تهران هم دانشجویان از جبهه ملی و ملی شدن نفت در ایران حمایت کردند. رزم‌آرا گفت: ایران توان ملی کردن صنعت نفت ایران را ندارد و این کار خیانت است. او پرسید: ما با کدام تجهیزات می‌خواهیم نفت را استخراج کنیم؟ تحلیل: کَلِمَةُ الْخَقِّ يَزَادُ بِهَا طَائِلٌ.. پاسخ: وقتی دانش فنی استفاده از ثروت ملی را نداریم، آن دانش را یاد بگیر؛ نه این که همه‌اش را هبه کنی به بیگانه.

